

باسمه تعالی

اشکال: تنافی این کلام با اشتراک عالم و جاهل در احکام..... ۲

موضوع: حجج و امارات / ظن / جمع بین حکم ظاهری و واقعی

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل اشکال جعل حجیت برای ظن، جمع بین حکم واقعی و ظاهری بود، که چند جواب داده شده و در این جلسه چند جواب دیگر داده خواهد شد.

ابتدا مراحل حکم الزامی نزد مرحوم آخوند توضیح داده شده، و سپس جواب ایشان از تنافی حکم واقع و ظاهری بیان

می شود:

الف. اقتضاء: مراد از این مرحله، وجود مقتضی (مصلحت و مفسده در متعلق تکلیف) برای جعل تکلیف است. به عنوان مثال مفسده موجود در شرب خمر، مقتضی جعل حرمت برای آن بوده؛ و مصلحت موجود در صیام، مقتضی جعل وجوب برای آن است. پس مراد از اقتضاء، وجود مقتضی خارجی برای تکلیف به فعل است.

ب. انشاء: مولی بر اساس وجود مقتضی، تکلیف را انشاء می کند. به عنوان مثال بر اساس مصلحت صوم، امر به صیام نموده؛ و بر اساس مفسده شرب خمر، نهی از آن نموده است. حقیقت انشاء نزد آخوند ایجاد معنی توسط لفظ است. در این مرحله طلب یا ردع انشاء می شود.

ج. فعلیت: مرحله فعلیت نزد مرحوم آخوند همان اراده و کراهت است که در نفس مولی منقدح می شود. یعنی ایشان اراده و کراهت مولی نسبت به فعل عبد را «تکلیف فعلی» نامیده است. به عنوان مثال فرض شود صوم دارای مصلحت بوده و مرحله اول تکلیف وجود دارد. مولی قبل از فرارسیدن ماه رمضان، در ماه رجب صوم شهر رمضان را از زید طلب می کند و مرحله دوم تکلیف یعنی انشاء نیز محقق می شود. مولی بعد از انشاء هنوز در ماه رجب، اشتیاقی به فعل صوم از زید ندارد؛ اما اکنون مولی اشتیاقی به صوم ماه رمضان از زید دارد؟ این نزاع معروف بین شیخ و آخوند است که شیخ فرموده الآن اشتیاق فعلی دارد، اما مشهور و آخوند فرموده اند اکنون اشتیاق فعلی ندارد. بنابراین در مبنای ایشان با ورود ماه رمضان، مولی اشتیاق به صوم زید پیدا می کند. این اشتیاق مولی مرحله سوم تکلیف یعنی فعلیت را محقق می نماید. پس انشاء و امر در ماه رجب محقق شده، و فعلیت

و اشتیاق مولی در شب اول ماه رمضان محقق می‌شود. به عبارت دیگر در هر اشتیاقی نیاز به مشتاق‌عنه وجود دارد، که متعلق اشتیاق در مثال فوق، با ورود ماه رمضان محقق شده و اشتیاق مولی فعلی می‌شود.^۱

د. تنجّز: بعد از فعلی شدن یک تکلیف، عقل حکم به لزوم اطاعت و حکم به استحقاق عقوبت در مخالفت آن می‌کند. این مرحله تنجّز تکلیف نام دارد.

مراحل حکم نزد ایشان همین چهار مرحله است که اگر مراحل قبل نباشند، نوبت به مرحله بعدی نمی‌رسد. به عنوان مثال فرض شود در شب اول ماه رمضان عمرو ماه را رؤیت می‌کند، در این صورت وجوب صوم نسبت به وی از انشاء به فعلیت و از فعلیت به تنجّز می‌رسد. در همان شب یک ثقه به زید خبر می‌دهد فردا ۲۹ ماه شعبان است (یعنی احتمال ماه رمضان نبوده و استصحاب هم نیست)، در این صورت وجوب صوم نسبت به زید فعلی و منجّز نیست. مثال واضح‌تر اینکه فرض شود در شب اول ماه شوال عمرو ماه را رؤیت نموده و یک ثقه به زید خبر دهد فردا ماه رمضان است. در این صورت حرمت صوم فردا بر عمرو فعلی و منجّز است؛ اما بر زید فعلی نشده و منجّز نیست؛ زیرا نسبت به زید استصحاب بقاء ماه رمضان، و یا خبر ثقه وجود دارد.

با توجه به این مقدمه، مولی شوقی نسبت به صوم فردا از زید نداشته و تکلیف وی فعلی نیست (یعنی اراده و کراهت مولی منوط به این است که ترخیصی نداده باشد). بنابراین تضادی در جمع بین حکم واقعی و ظاهری نیست؛ زیرا مولی نسبت به صوم فردا اراده و کراهت ندارد، پس حکم ظاهری ترخیص منافی آن نیست. یعنی نقض غرضی لازم نیامده زیرا اراده یا کراهت فعلی نیست، و اجتماع کراهت و عدم کراهت نمی‌شود.^۲

اشکال: تنافی این کلام با اشتراک عالم و جاهل در احکام

شهید صدر این جواب را نپذیرفته است؛ زیرا این بیان قبول اشکال بوده و جواب نیست. توضیح اینکه اصل اشکال تنافی حکم واقعی و ظاهری، مبتنی بر اشتراک جاهل و عالم در احکام است، درحالی‌که این جواب مرحوم آخوند موجب نفی اشتراک است؛ زیرا مراد علماء از اشتراک و آنچه مسلم بین علماء است، اشتراک در احکام فعلی است. بیان مرحوم آخوند تنها اشتراک عالم و جاهل در احکام انشائی است.

علاوه بر اینکه در کلام ایشان از برخی مبانی استفاده شده، که به نظر صحیح نمی‌رسد. به عنوان مثال در تعریف فعلیت حکم، مبنای مرحوم میرزا مورد قبول است.

۱. «فعلیت» در اصطلاح مرحوم آخوند متفاوت از اصطلاح مرحوم میرزا و مشهور است. فعلیت در اصطلاح مرحوم آخوند نسبت به طلب نفسانی است، اما فعلیت در اصطلاح مرحوم میرزا نسبت به طلب انشائی است.

۲. کفایة الاصول، ص ۲۷۷.

تقریرات درس خارج اصول استاد مددی - حسین مهدوی نهاد